



طبع
ارژنگ ذات



من-دارکوب ناپیدا
خزه‌ای توکار
و غیاب ببر
— نورپیچ



حاشور آفتاب
تک‌زنبوری ویلان
و هدیه پوسیده‌ام
— در شیب سیاره



ککومک آفتابی
جنگلک لکه گردان
و واش فرصت طلب



دو لّل نوافلاطونی
برگ پیچیده
زیر پوست کاغذ
— درخت آلو



مجعد
بی خون
مجتمع



کوری پروانه‌ها
در آبی گود
— دنیای وارونه



مگس معلق
مغز چشم گرد
(سکوت)
بلوا
سکوت)
— تعلیق آگاهی
— چسبیدگی
— چنبره
— بو
— بوی رصدناپذیر
پساختیه



زمین تنهاست
تو تنهایی.



گلدان خالی
گلدان‌های خالی
— سکون علف



گرم باد
— هوای سرد.



خیال مرگ
خالی هوا
در حوض فرش
— یک مفروض.



فرش باد
جادوی هزاره
— عادت مرگ
عدم



گراز زیبا
فرار میکند از من
در جنگل تنها



جهان
بی من
می‌پاید
در
شمشادهای وحشی
حتی



انگشت چشم
تا کجا میبرد
خرس آواره را
— مقعر —
— غسل مقعر —
— سنگ برگردان —



دست‌اندازی‌های ابرمتقارن
حادرنگ
— باغ آینه
وهم



یک ماشین تایپ
در گوشه‌ای از شهر
لکه جوهرهای شهر خور را میبیند
— بیرون جا
— یک روایت —
— محتوم —



قلب
مغز یک لوله است
قلب مغز
یک لوله است



سه گزارش
دو ترمینال
یک مأموریت



اسپریم-جهان
پیشاشبکیه
تراشهوت



برقینه‌های بادزا
قاب شهر
صنعت چوب
— خاک



ارتعاش آب
— و چند حشره نالازم



یک پرندہ
دو قلق گیری
سہ رقص

— ہیچ



و فاصله
مراقبه میشود
بین برگ
و برگ